

اسپرم اهدایی و وراثت

فرزاد جهانتاب

دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، نورآباد ممسنی، ایران.

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی وراثت فرزندان ناشی از اسپرم اهدایی در نظام جمهوری اسلامی ایران می باشد نوع مطالعه این پژوهش توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف کاربردی می باشد. برای انجام این پژوهش یک از مسائل مهمی که در عصر حاضر مورد توجه علوم مختلف قرار گرفته و مربوط به تحقیقات ژنتیک می باشد مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می دهد دستاوردهای تحقیقات ژنتیک عمدتاً شامل مهندسی ژنتیک، اصلاح نژاد، ژن درمانی و تشخیص نارسایی ژنتیکی است که این پژوهش یه یکی از این دستاوردها، یعنی کودک متولد شده ناشی از اسپرم اهدایی می پردازد. مهم ترین مسئله مورد بحث پژوهش حاضر این است که ارث فرزندان ناشی از اسپرم اهدایی در نظام حقوقی ایران چگونه تبیین شده است. بنابراین پس از ارائه کلیات و تعریف مفاهیم از مبحث وراثت ناشی از اسپرم اهدایی در نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار می گیرد. براساس نتایج به دست آمده، در بحث ارث، نسب اهمیت بسیاری بر ارث برنده دارد.

واژه های کلیدی: وراثت، اسپرم اهدایی، ژنتیک

۱- مقدمه

تحقیقات ژنتیک همچنان که بر دانش پزشکی ما افزوده و باعث ارتقای سلامت و درمان بیماریها شده، چالش‌های حقوقی و اخلاقی بسیاری را نیز پیش کشیده است. اطلاعات ژنتیکی از این جهت که ارتباط نزدیکی با خصوصیات فردی دارند، خاص و متمایز از سایر اطلاعات پزشکی هستند و این تمایز ناشی از این فرض متعارف است که ژن‌های هر فرد وضعیت سلامت و خصوصیات رفتاری وی را مشخص می‌سازند؛ بنابراین خطرات بالقوه‌ای از قبیل بهتان و تبعیض اجتماعی از سوی کارفرمایان و سازمان‌های بیمه، برای افراد شرکت‌کننده در مطالعات ژنتیکی مطرح است. به علاوه اطلاعات ژنتیکی افراد، اطلاعاتی را درباره خویشاوندان آن‌ها فراهم می‌آورد که خود مباحث پیچیده‌ای را به‌ویژه در حیطه استقلال فردی و رازداری مطرح می‌سازد.

اطلاعات ژنتیک انسانی جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارند چراکه قادرند ویژگی‌های ژنتیک افراد را نشان دهند و می‌توانند تأثیرات عمده‌ای بر خانواده، فرزندان، نسل‌ها و گاه گروه‌های اجتماعی خاص، داشته باشند و نیز ممکن است حاوی اطلاعاتی باشند که اهمیت آن‌ها لزوماً حین جمع‌آوری نمونه‌ها شناخته شده نیست. امکان سوءاستفاده از اطلاعات ژنتیک در حیطه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و غیره وجود دارد که می‌تواند زمینه‌ساز تبعیض‌های فردی و اجتماعی و حتی تبعیض نژادی گردد. لذا با توجه به پیشرفت سریع علم ژنتیک و تجمع وسیع اطلاعات در مورد ژنوم (که اسپرم‌هدایی، یکی از این نوع تحقیقات است)، ضروری است بررسی‌های لازم در مورد جنبه‌های حقوقی این تحقیقات و نظام‌مند کردن آن‌ها از لحاظ قانونی صورت گیرد.

از آغاز سده بیستم که نخستین آزمایش انتقال هسته سلول به‌وسیله رشته موی کودک به عمل آمد، مسائلی چون توسعه و استقرار جنین، قابلیت و امکان انتقال هسته از سلول متمایز و همانندسازی گیاهان، به‌عنوان پدیده‌های نوین علمی قابل پیش‌بینی بودند. با همانندسازی اندامی DNA، نظام‌های حقوقی خود را در برابر تحولات تازه در بیوتکنولوژی دیدند. این پدیده‌های رو به فزونی، از سق ط رویان تا به‌کارگیری قرص‌های ضدبارداری، ولادت لوئیس براون ۱ - نخستین کودک حاصل از بارورسازی مصنوعی در انگلستان - و بحث از همانندسازی انسان، نقاط عطف بسیار مهمی بودند که نشان از ورود فن‌آوری زیستی به جامعه و در نتیجه لزوم موضع‌گیری نظام‌های حقوقی در برابر آن داشتند.

گوناگونی رویکردهای حقوقی و اخلاقی در برخورد با این پدیده‌ها، دکترین‌های متنوعی را مبتنی بر منع یا تجویز مطلق یا نسبی یا مشروط آن فراهم آورده است. از آنجاکه رد یا تأیید پدیده یادشده را نمی‌توان تنها در چهارچوب علم زیست‌شناسی جستجو کرد، حوزه‌های گوناگون دیگری از جمله حقوق، اخلاق، جامعه‌شناسی و فلسفه به نحو مستقیم در تحلیل موضوع و آثار ناشی از آن دخیل خواهند بود. صاحب‌نظران از دو دیدگاه به این موضوع نگاه می‌کنند؛ برخی مانند دیتز زیمر از زاویه فیزیولوژیک متعرض موضوع‌های مرتبط هستند و برخی مانند هابر ماس، مسائلی چون خودآگاهی، انحطاط اجتماعی و ... را مطرح می‌کنند. پرسشی که از تقابل این دو دیدگاه ایجاد می‌شود پیرامون مسئولیت افراد است؛ مسئولیت مدنی و کیفری افرادی که اقدام به هرگونه آزمایش و دست‌کاری ژنتیکی می‌کنند و نیز افرادی اعم از بیمار و غیر بیمار که موضوع این اقدامات قرار می‌گیرند. به دیگر سخن، با توجه به این واقعیت که ژن‌ها نه تنها در بروز صفات فیزیکی، بلکه در ایجاد رفتارها و بیماریهای روانی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. (متولی زاده اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۶۵)

عملیات دست‌کاری ژنتیکی، موضوع بسیار مهمی است که در سیر تکاملی خود از گیاهان و حیوانات فراتر رفته و با تحت تأثیر قرار دادن ژن‌های انسان، ابعاد تازه‌ای را فراروی حقوقدانان قرار داده است. به لحاظ جنبه مدنی، از دیدگاه نظام حقوقی ایران، شرایط زیان قابل مطالبه در عملیات دست‌کاری ژنتیکی قابل جمع است. این زیان، گذشته از زیان‌های معنوی، صدمه‌های بدنی را نیز در برمی‌گیرند که به تصریح قانون، واردکننده زیان مسئول جبران همه خسارت‌های یادشده است. فعل زیان‌بار عملیات

دست‌کاری ژنتیکی نیز محرز بوده و در صورت احراز رابطه سببیت، عناصر مسئولیت مدنی محقق هستند. درباره تعهدات قراردادی مربوط به بحث، در حوزه مقررات مدنی، لزوم ضمان پیش‌بینی‌نشده و باید بر آن بود که تعهد حرفه‌ای پزشک، عرفاً به‌منزله تصریح به جبران خسارت است؛ اما در حوزه مسئولیت قهری، ضمان قهری ناشی از عملیات دست‌کاری ژنتیکی در قانون مدنی ایران پیش‌بینی نشده است. (تیموری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۶)

در سال ۱۹۹۰، پروژه ژنوم انسانی؛ یک کار تحقیقاتی علمی با گستره بین‌المللی، اجازه پیدا می‌کند توالی کامل ژنوم انسانی را بر پا دارد. انتشار یافته‌های منتج شده از این پروژه، نگرانی‌های جدی در مورد مسائل اخلاقی و حقوقی مربوط به آزمایش ژنتیکی، دست‌کاری ژنتیکی و تبعیض ژنتیکی به وجود می‌آورد که موجب تصویب قوانین، اعلامیه‌ها و معاهدات بین‌المللی در دهه بعدی می‌شود. متعاقب این اقدام، سازمان یونسکو از تمامی کشورها درخواست می‌کند علیه تبعیض بر اساس داده‌ها یا ویژگی‌های ژنتیکی، قانون وضع کنند و در سال ۱۹۹۷، اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر ۳ را تصویب تا علاوه بر تلاش برای محافظت از ژنوم انسانی، در برابر دست‌کاری نامناسب که می‌تواند هویت و تمامیت فیزیکی نسل‌های آینده را توافقی کند (انتخاب فرزند از روی کاتالوگ، تعیین جنسیت و سایر ویژگی‌های فرزند آینده از طریق دست‌کاری ژنتیکی و از همه مهم‌تر شبیه‌سازی انسان و ...) راهکاری ارائه دهد و همچنین برای جلوگیری از تبعیضات ژنتیکی و استفاده از اطلاعات ژنتیکی به شیوه‌ای که کرامت انسانی و حقوق بشر را تضعیف کند، چاره‌ای بیندیشد. (شهیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۲)

اما با این توضیحات به دو بحث وراثت فرزندانهای ناشی از اسپرم اهدایی (اسپرم بیگانه) در حقوق ایران می‌رسیم: وضعیت ارث کودکانهای ناشی از اسپرم اهدایی (اسپرم بیگانه) در حقوق ایران در دوران حیات صاحب اسپرم (پدر) مواردی پیش می‌آید که در آن زوجین به علل گوناگون نمی‌توانند به‌طور طبیعی صاحب فرزند شوند. تشکیل جنین از طریق تلقیح اسپرم پدر با تخمک مادر و انتقال آن به رحم مادر در محیط آزمایشگاه یکی از اکتشافات جدید و نوع خاصی از تلقیح مصنوعی است که به‌موجب آن زن از طریق تزریق مصنوعی نطفه همسرش باردار می‌شود. این مسئله علی‌رغم تمام فرصت‌ها و موهبت‌هایی که با خود به دنبال دارد چالش‌های بسیاری را نیز خصوصاً در مورد طفل حاصل از آن به همراه داشته است. مهم‌ترین بعد حقوقی این مسئله که بدان پرداخته خواهد شد این است که آیا تلقیح نطفه مرد به رحم همسرش جایز است و طفلی که از این طریق متولد می‌شود دارای نسب مشروع و قانونی بررسی وضعیت ارث جنین ناشی از تلقیح مصنوعی پس از فوت صاحب اسپرم... بوده و از پدرش ارث می‌برد یا خیر؟ اولین جنبه مجهول و مبهم پژوهش در این زمینه هست که در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آن هستیم.

نیازهای روزافزون بشری به علوم به‌ویژه علم پزشکی، متخصصان این امر را به سعی و تکاپوی بسیار واداشته و تلاش‌ها جهت رفع این نیازها به پیشرفت سریع این علم در رشته‌های گوناگونش منجر شده است. یکی از این رشته‌ها تحقیقات ژنتیک هست که متخصصین آن فناوریها و پیشرفت‌های شگرفی را تقدیم جامعه بشری نموده‌اند. از پروژه عظیم ژنوم انسانی تا مسئله شبیه‌سازی درمانی و تولید داروهای ژنتیکی و درنهایت تولید محصولات کشاورزی و غذایی اصلاح شده ژنتیکی که مانند هر خدمت دیگری به جامعه بشری محتاج قانونمندی است. مسائل حقوقی ناشی از تحقیقات ژنتیک (به‌طور مثال ارث) جزء مسائل مهم روز در زمینه حقوق پزشکی هست که با توجه به رشد روزافزون فن‌اوریهای ژنتیک دارای اهمیت دوچندان است.

۲- پیشینه تحقیق

در زمینه وراثت فرزندان ناشی از اسپرم اهدایی در نظام حقوقی ایران تاکنون تحقیقات زیادی صورت نگرفته است اما در این بخش به برخی از منابع اشاره می‌کنیم:

کتاب صفایی (۱۳۹۱) در کتابی تحت عنوان «انتقال جنین، در روش‌های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه حقوق» معتقد است که این کتاب در شرایطی به زیور طبع سوم آراسته می‌شود که قانون «نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور» در سال ۱۳۸۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و آیین‌نامه اجرایی آن نیز به سال ۱۳۸۳ تدوین و اجرایی شده است. باین‌حال، اجرای دقیق قانون و آیین‌نامه و رفع کاستی‌های احتمالی آن همچنان مستلزم پژوهش‌ها و بررسی‌های بیشتر و دقیق‌تر است. امید است با بهره‌گیری از نتایج این پژوهش‌ها شاهد شکل‌گیری مبانی حقوقی و قانونی جامعی در زمینه درمان ناباروری باشیم. این کتاب منبعی خوب در این تحقیق بنده هست که مطمئناً در راستای تحقیق خود از آن استفاده خواهم نمود.

نور محمدی (۱۳۸۴) در کتابی تحت عنوان «شبیه‌سازی انسان» آورده است که در این نوشتار سعی شده جوانب گوناگون پدیده «شبیه‌سازی انسان» در هشت فصل مطرح شود؛ هم‌چنین زمینه برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اتخاذ استراتژی برای دانشمندان دینی در حوزه‌های مختلف فراهم گردد. آشنایی اولیه با ژنتیک، راز تولیدمثل، شبیه‌سازی و اطلاعات پیرامون آن، ساختار فرد و عوامل سازنده آن، شبیه‌سازی از منظر اخلاق پزشکی، شبیه‌سازی از نگاه ادیان الهی، بررسی دیدگاه موافقان شبیه‌سازی و بررسی دیدگاه مخالفان شبیه‌سازی از مباحث کتاب هستند. متأسفانه این کتاب هیچ‌نگاه حقوقی به بحث ارث در مورد تحقیق بنده نینداخته است و این خود چالشی جدی در این کتاب نسبت به موضوع تحقیق و مورد مطالعه بنده هست به همین دلیل این کتاب در تحقیق بنده جایگاهی ندارد.

نائب زاده (۱۳۸۰) در کتابی تحت عنوان «باروری مصنوعی» به بررسی شبیه‌سازی انسان می‌پردازد و مباحث زیادی مطرح می‌نماید اما متأسفانه در زمینه ارث نسبت به کودک ناشی از اسپرم اهدایی مطلبی بیان ننموده و این چالشی جدی در مورد این کتاب است که بنده بر آن نقد وارد می‌نمایم.

پایان‌نامه راجی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «انجماد جنین از منظر فقه امامیه و حقوق ایران» معتقد است پژوهش حاضر به بررسی چالش‌های مطرح از جمله مشروعیت فرآیند انجماد، باروری پس از مرگ، استفاده از سلول‌های بنیادین جنینی، اهدای جنین به زوجین دیگر، مالیت و شخصیت جنین منجمد، تعلق حقوق مالی یا غیرمالی برای صاحبان و نسب و ارث آن می‌پردازد. درحالی‌که بحث اصلی ما حقوقی است و از طرفی تأکید بر وراثت فرزندان ناشی از اسپرم‌های اهدایی دارد که متأسفانه در این پایان‌نامه دیده نمی‌شود.

نوراحمدی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «بررسی احکام جنین آزمایشگاهی بدون صاحب» معتقد است این پژوهش به تبیین ماهیت جنین آزمایشگاهی بدون صاحب و تحلیل احکام فقهی، بر اساس مبانی فقهی امامیه و حقوق ایران می‌پردازد. درحالی‌که بحث اصلی ما حقوقی است و از طرفی تأکید بر وراثت فرزندان ناشی از اسپرم‌های اهدایی دارد که متأسفانه در این پایان‌نامه دیده نمی‌شود.

مقالات وطن‌خواه (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «مطالعه تطبیقی جرائم زیست فناوریانه در حقوق ایران و انگلستان» معتقد است در عرصه بین‌المللی، تلاش‌هایی به‌منظور قانونمند ساختن فعالیت‌ها در حوزه زیست‌فناوری با توسل به ابزارهای حقوق کیفری صورت گرفته است که ظهور و بروز آن را در تصویب اسناد و اعلامیه‌های متعدد بین‌المللی می‌توان مشاهده نمود و در نظام حقوقی داخلی از قوانین مرتبط با زیست‌فناوری می‌توان قوانینی، مثل قانون ایمنی زیستی، قانون ثبت ارقام گیاهی و

گواهی و کنترل بذر و نهال و قانون اصلاح موادی از قانون قاچاق کالا و ارز و در نظام حقوقی انگلستان، قانون باروری و رویان‌شناسی انسانی، قانون حفاظت زیستی انگلستان و قانون تنوع گیاهی را می‌توان نام برد که در هر یک از این قوانین، برخی از حوزه‌های زیست‌فناوری مورد حمایت کیفری قرار گرفته است. در این تحقیق ضمن تبیین جرائم احصایی در این قوانین و مجازات معین در آن‌ها، ایرادات و اشکالات موجود و پیشنهادهای لازم ارائه می‌گردد.

۲-۱- تعاریف

در این بخش به اصلی‌ترین تعاریف مورد نظر پرداخته خواهد شد که عبارت‌اند از:

۲-۱-۱- مسئولیت

در این قسمت سعی بر این است تا به بررسی مفهوم مسئولیت بپردازیم به همین دلیل ابتدا مفاهیم لغوی و سپس اصطلاحی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲-۱-۱-۲- تعریف لغوی

مسئولیت در لغت دارای تعاریف مختلفی است که دو معنای زیر از همه بهتر است: در معنای اول مسئول به معنی، چیزی خواهش شده کسی که فرضیه‌ای بر ذمه دارد که اگر عمل نکند از او بازخواست شود و مسئولیت به معنی مسئول بودن و موظف بودن به انجام دادن امری است. (معین، ۱۳۹۷، ص ۵۴۲) در معنای دوم مسئولیت عبارت است از آنچه انسان عهده‌دار و مسئول آن باشد و مسئول به معنی پرسیده شده و خواسته شده آمده است. (عمید، ۱۳۹۵، ص ۹۵۰) اما آنچه در تعریف لغوی مسئولیت دیده می‌شود لفظ وظیفه و عهده دار بودن است که به چشم می‌آید.

۲-۱-۱-۲- تعریف اصطلاحی

در تعریف اصطلاحی مسئولیت نیز نگارندگان تعاریف مختلفی ارائه داده‌اند که مجموعاً به یک تعریف می‌رسند و آن عبارتست از:

مسئولیت عبارت است از تعهد قانونی شخص، بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است. خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا از فعالیت او ایجاد شده باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷، ص ۵۴) به‌رحال بررسی معانی لغوی و اصطلاحی مسئولیت ملازمه این کلمه را با تعهد و تکلیف، آشکار می‌سازد ولی این معنی به‌تنهایی نمی‌تواند مفاهیم گوناگون و ابعاد مختلف و مصطلح مسئولیت را بازگو کند.

۲-۱-۲- ژنتیک

بعد از بررسی مفهوم مسئولیت حال بایستی یکی دیگر از مفاهیم مهم تحقیق یعنی ژن و ژنتیک مورد بررسی قرار گیرد به همین دلیل در ادامه به بررسی مفهوم ژن و ژنتیک خواهیم پرداخت.

در فرهنگ معین ژنتیک تحت عناوین ارثی، موروثی، علم وراثت «تعریف شده است (معین، ۱۳۸۶، ص ۲۱۴) اما در تعریف اصطلاحی ژن یا ماده وراثتی ۱، ماده پیچیده‌ای است که در هنگام تقسیم می‌تواند همانند خود را به وجود آورد. ژن کوچک‌ترین واحد شیمیایی اطلاعات ارثی است که به تعداد بی‌شمار، درون میلیاردها سلول تشکیل‌دهنده بدن وجود دارد.

چنین تخمین زده می‌شود که در ۲۳ جفت کروموزوم هسته سلول انسانی، بیش از صد هزار ژن اصلی و شاید بیش از این مقدار ژن غیر اصلی وجود داشته باشد. (پورمحمدی، ۱۳۹۶، ص ۱۹)

این واژه برای اولین بار توسط ویلهلم یوهانس در سال ۱۹۰۹ به کار رفت. ژن‌ها دارای ویژگی‌های مشترکی هستند، اول آن‌که: همگی آن‌ها به‌صورت جفت وجود دارند؛ ژن پدری بر روی یک کروموزوم و ژن مادری بر روی کروموزوم همتای آن جای دارد. دوم آن‌که: در صورت فقدان عوامل آسیب‌زا ژن‌ها می‌توانند میلیون‌ها سال و شاید میلیاردها سال با همان ویژگی‌های اولیه باقی بمانند. (پورمحمدی، ۱۳۹۶، ص ۱۹)

از ویژگی‌های ژن‌ها انتقال صفات والدین به فرزندان است. علاوه بر این، ژن‌ها همه اعمال سلول را کنترل می‌کنند. ژن‌ها که در هسته سلول قرار گرفته‌اند، همانند ستاد فرماندهی سلول عمل کرده و همه اعمال درونی و برونی سلول، پیرو فرمان‌های صادرشده از سوی آن‌ها است که یکی از مهم‌ترین این اعمال سلولی، عمل تولید و انتقال ساختار و صفات والدین به فرزندان هست. در عصر حاضر با مطالعات فراوانی که بر روی ژن‌ها و عملکرد آن‌ها صورت گرفته است، رشته‌ای به نام مهندسی ژنتیک تأسیس گردیده که به مطالعه مسائل گوناگون و تحقیق در این زمینه می‌پردازد. ژنتیک پزشکی با به‌کارگیری دانش و فن‌آوری روزبه جنبه‌های کلینکی و اپیدمیولوژیک موارد ارثی می‌پردازد و درصدد است تا با کشف عوامل مختلف ژن‌های مؤثر در بیماری و رفتار انسان، به بهینه‌سازی و پیش‌گیری یا کاهش آسیب‌های ناشی از آن بپردازد. (جعفریان، ۱۳۹۲، ص ۱۲۸)

اگرچه کشف ژن و برخی از عملکردهای آن در عصر حاضر اتفاق افتاده است، اما در منابع دینی، مطالب مختلفی درباره این حقیقت و انتقال صفات والدین و اجداد به انسان مطرح‌شده است که می‌تواند بر این حقیقت منطبق شود. همان‌طور که پیش‌از این گذشت، ژن‌ها می‌توانند درحالی‌که صفات اولیه را در خود نهفته دارند میلیاردها سال زندگی کنند.

از امام صادق علیه‌السلام درباره میت چنین پرسیده شد که آیا جسد میت می‌پوسد. حضرت فرمود: بله به‌گونه‌ای که گوشت و استخوانی برایش باقی نمی‌ماند، مگر سرشتی که از آن آفریده شده است، زیرا آن نمی‌پوسد، در قبر باقی می‌ماند و در حال تحول است تا دوباره فرد از آن آفریده شود، همان‌طور که اولین بار آفریده شده بود. (قاسمی، ۱۳۹۴، ص ۸۰)

علامه مجلسی، در توضیح این روایت می‌گوید: آن هسته مرکزی دارای تحول و تغییر می‌گردد ولی در همه احوال محفوظ باقی می‌ماند و این روایت اثبات می‌کند که تشخ ص انسان به‌واسطه اجزای اصلی او است و دیگر اجزا و عوارض دخالتی در آن ندارند. (قاسمی، ۱۳۹۴، ص ۸۱)

براساس این، چنانچه ژن را تشکیل‌دهنده هسته مرکزی انسان و دارای قدرت بقا برای سال‌های متمادی بدنیم، این روایت منطبق بر آن می‌شود، زیرا نهاد اولیه ژن را دارای فرایند زوال نمی‌داند.

ژنتیک، علم مطالعه وراثت، در تمامی زمینه‌های آن، از گسترش صفات در یک شجره‌نامه خانوادگی تا بیوشیمی ماده ژنتیکی، اسید دزوکسی‌ریبونوکلئیک‌اسید ۱ و اسید ریبونوکلئیک‌اسید ۲ است.

علم ژنتیک یکی از شاخه‌های علوم زیستی است. به‌وسیله قوانین و مفاهیم موجود در این علم می‌توانیم به تشابه یا عدم تشابه دو موجود نسبت به یکدیگر پی ببریم و بدانیم که چطور و چرا چنین تشابه و یا عدم تشابه در داخل یک جامعه گیاهی و یا جامعه جانوری، به وجود آمده است. (قدیری، ۱۳۹۰، ص ۳۲۵)

علم ژنتیک علم انتقال اطلاعات بیولوژیکی از یک سلول به سلول دیگر، از والد به نوزاد و بنابراین از یک نسل به نسل بعد است. ژنتیک با چگونگی این انتقالات که مبنای اختلالات و تشابهات موجود در ارگانسیم‌هاست، سروکار دارد. علم ژنتیک در مورد سرشت فیزیکی و شیمیایی این اطلاعات نیز صحبت می‌کند. (غلام‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۵۵)

بنابراین در یک تعریف کلی می‌توان گفت که ژنتیک یا آفرینش بخشی از دانش زیست‌شناسی است که به وراثت و تفاوت‌های جانداران می‌پردازد.

۱-۲-۳-۳-ارث

یکی دیگر از مفاهیم کلیدی پژوهش حاضر مفهوم ارث است که در ادامه به تعاریف لغوی و اصطلاحی آن خواهیم پرداخت.

۱-۲-۳-۱-۲-ارث در لغت

واژه ارث در لغت در معنای اصل چیزی یا باقیمانده چیزی استعمال شده است اعم از اینکه آن یک امر مادی و ظاهری مثل مال باشد و یا یک امر معنوی و باطنی مثل علم و دانش و... (فیروزآبادی، ۱۴۱۲، ص ۳۴۸) باید اضافه کرد که واژه «ارث» از مصدر «ارث» با وجود مشابهت ظاهری به لغت ارث معنایی متفاوت از آن دارد و به معنای پوسیدگی و کهنه شدن است و همین‌طور واژه «ارث» به معنای خدمت‌رزمی میان دو زمین نیز آمده است که در این معنا مترادف با لغت ارفه است. (فی و می، ۱۴۰۵، ص ۱۲) همین‌طور از دیگر معانی لغوی این واژه، انتقال یک امری که از قدیم مرسوم بوده و از نسلی به نسل دیگر منتقل شود نیز می‌باشد.

۱-۲-۳-۲-۲-ارث در اصطلاح

واژه ارث نزد فقها در همان معنای متعارف و معمول لغوی خود استعمال شده است؛ یعنی از سوی فقها معنای اصطلاحی جداگانه‌ای از واژه ارث که متفاوت از معنای لغوی خود باشد ارائه نشده است و تنها در بعضی از عبارات آنان اختلاف در تعریف واژه میراث به چشم می‌خورد. به این صورت که بعضی از فقها میراث را چنین تعریف کرده‌اند:

- میراث عبارت است از استحقاق انسانی نسبت به چیزی به واسطه موت انسان دیگر اصلتا به جهت وجود نسب یا سبب. به عبارت دیگر میراث عبارت است از آنچه اصلتا انسان به واسطه موت انسان دیگر به جهت وجود نسب یا سبب استحقاق پیدا می‌کند (شهید ثانی، ۱۴۰۳، ص ۱۱)

واضح است که ذکر قید «سبب و نسب» و واژه اصلتا «» در تعریف مذکور به این واسطه است که به ترتیب وصیت و وقف از تعریف مذکور ارث خارج گردد؛ همین‌طور در تعریف مذکور واژه «موت» بدون هیچ قیدی و به صورت مطلق در تعریف آورده شده است که می‌تواند شامل موت فرضی نیز شود.

واژه میراث در تعاریف بالا، یکی به معنای استحقاق و دیگری به معنای موضوع و متعلق به استحقاق آمده است. باید گفت که منشأ این اختلاف ناشی از اختلاف نظری است که در ریشه کلمه «میراث» موجود است؛ به این صورت که اگر اصل واژه میراث، «موراث» از مصدر «ارث» و بر وزن «مفعال» باشد که در این حالت باید گفت حرف «یای» موجود در این کلمه منقلب از «واو» است. آنگاه تعریف این واژه همان تعریف او، یعنی به معنای «استحقاق» است، اما اگر قائل به این باشیم که واژه میراث اسم مفعول بوده و اصل آن «موروث» است؛ که در این صورت تعریف دوم نزدیک‌تر به معنای این واژه است. (کشکی، ۱۳۸۹، ص ۷)

بنابراین دیده می‌شود که در لغت و اصطلاح در بحث ارث دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ حال بایستی دید که در حقوق چه تعاریفی ارائه شده است. برای پاسخ به این سؤال در ادامه به بررسی معنای حقوقی ارث می‌پردازیم.

در نصوص قوانین موضوعه ایران علی‌رغم تکرار متعدد واژه ارث، هیچ تعریفی از این واژه ارائه نشده است؛ اما پاره‌ای از اساتید حقوق ایران معتقدند این لغت در متون حقوقی و قانون مدنی ایران در هر سه معانی مذکور در قسمت قبل به کار رفته است. (کاتوزیان ۱۳۹۷، ص ۱۳۹)

یعنی ارث گاه به معنای مال یا حقیقی است که پس از مرگ شخص به بازماندگان او می‌رسد؛ و گاه دیگر به معنای استحقاق بازماندگان شخص بر دارایی اوست؛ اما باید گفت که ظهور اختصاصی هر یک از معانی مذکور در مواد بیان شده ثابت نیست. چراکه مثلاً در ماده ۸۶۲ ق.م.آمه است: «شخصی که به موجب نسب ارث می‌برند سه طبقه‌اند...» یا در ماده ۸۶۳ ق.م.آمه است: «وارثین طبقه بعد وقتی ارث می‌برند که از وارثین طبقه قبل کسی نباشد» (کاتوزیان ۱۳۹۷، ص ۱۴۰)

بامطالعه واژه ارث در حقوق باید گفت که نص صریحی از سوی قانون‌گذار وجود ندارد که تعریف و منظور خود را از واژه ارث به مخاطب ارائه دهد و از آنجاکه این لغت ظهور در چند معنا دارد، لازم است که قانون‌گذار تعریف صریح و منصوصی از آن ارائه کند تا قدری از اجمال و ابهام این لغت در قانون بزدايد. چراکه برخلاف عقیده صاحب‌نظران حقوق این کار گذشته از فایده نظری و ادبی آن، دارای آثار مهم عملی است.

۱-۳- تحقیقات ژنتیک و ارث در حقوق ایران

برای آن که بتوانیم مسئولیت را به شخص یا گروهی منتسب نماییم، وجود سه عنصر وجود ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت لازم است:

۱-۱-۳- وجود ضرر

همان‌طور که قبلاً و در فصل قبل نیز بیان شد، اولین شرط تحقق مسئولیت مدنی وجود ضرر هست حال بایستی بررسی نمود که تحقق وجود ضرر در تحقیقات ژنتیک به چه صورتی است که در ادامه توضیح خواهیم داد:

هدف از قواعد مسئولیت مدنی جبران ضرر است. انسان وقتی از نظر مدنی مسئول تلقی می‌شود که ملزم باشد آثار و نتایج ضرر به دیگری را جبران نماید. به دیگر سخن، باید زبانی به بار آید تا برای جبران آن مسئولیت ایجاد شود و دینی بر عهده مسئول قرار گیرد. (دیلیمی، ۱۳۹۶، ص ۲۵)

ماده یک قانون مسئولیت مدنی ضرورت وجود ضرر را با این واژگان بیان می‌کند: «هرکس بدون مجوز قانونی ... لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است.» ماده ۲ می‌افزاید: «در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی دیگری شود، دادگاه‌ها پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت یادشده محکوم می‌نمایند.» (دیلیمی، ۱۳۹۶، ص ۲۵)

شرایط ضرر قابل مطالبه در هفت عنوان مسلم بودن، مستقیم بودن، نامشروع بودن، شخصی بودن، جبران نشده بودن، قابل پیش‌بینی بودن و ناشی از اقدام زیان‌دیده نبودن قابل بررسی است که همه آن‌ها در عملیات تحقیقات ژنتیکی قابل جمع‌اند. (غفوری، ۱۳۹۵، ص ۴۰)

زبان‌هایی که مسئولیت مدنی برای جبران آن ایجاد می‌شود به سه دسته مادی، معنوی و بدنی تقسیم می‌شوند:

مقصود از ضرر مادی، زبانی است که در نتیجه از بین رفتن اعیان اموال یا کاهش ارزش اموال و مالکیت معنوی ۱ یا از بین رفتن منفعت و حق مشروع اشخاص به آنان می‌رسد که گمان می‌رود از موضوع بحث حاضر خارج باشد. زبان‌های معنوی خود به دو

گروه تقسیم می‌شوند: اول، لطمه به عواطف و ایجاد تألم و تأثر روحی که شخصی با از دست دادن عزیزان خود یا ملاحظه درد و رنج آنان می‌بیند و دوم زیان‌های وارد به حیثیت شهرت یا به‌طور خلاصه آنچه در زبان عرف، سرمایه یا دارایی معنوی شخص است. (تیموری، ۱۳۸۹، ص ۱۰۸)

صدمه‌های بدنی هر دو چهره مادی و معنوی را دارا هستند. صدمه‌هایی که به سلامت شخص وارد می‌شوند هم از نظر روانی باعث زیان او هستند و هم هزینه‌های درمان و جراحی و بیمارستان و از کارافتادگی و کفن و دفن را بر دارایی او تحمیل می‌کنند. ارزیابی خسارت ناشی از صدمه‌های بدنی دشوار است، زیرا بیشتر این خسارت‌ها درآینده تحقق می‌یابد و احتمال و گمان و حدس در آن مؤثر است. برای نمونه به‌دشواری می‌توان به‌یقین رسید که احتمال ژنتیکی چه عوارضی به بار می‌آورد، درمان آن چه اندازه طول می‌کشد و چه اندازه هزینه دارد و میزان از کارافتادگی ناشی از آن چیست؟ از نظر تحلیلی، خسارت ناشی از صدمه‌های بدنی را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد:

۱. هزینه‌های درمان و توابع آن ۲. از کارافتادگی و عدم اهلیت

۳. آنچه نزدیکان قربانی (مانند زن و فرزندان و پدر و مادر از آن محروم شده‌اند) ۴. خسارت معنوی قربانی و نزدیکان او. (تیموری، ۱۳۸۹، ص ۱۰۸)

درباره صدمات بدنی، ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی تصریح می‌کند: «اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده در بدن او نقضی پیدا شود یا قوت کار زیان‌دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود واردکننده زیان مسئول جبران کلیه خسارت‌ها یادشده است. دادگاه جبران زیان را با رعایت اوضاع و احوال قضیه به طریق مستمری و یا پرداخت مبلغی دفعتا واحده تعیین می‌نماید و در مواردی که جبران زیان باید به طریق مستمری به عمل آید، تشخیص این‌که به چه اندازه‌ای و تا چه مبلغ می‌توان از واردکننده زیان تأمین گرفت با دادگاه است. اگر در موقع صدور حکم، تعیین عواقب صدمات بدنی به‌طور تحقیق ممکن نباشد، دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدیدنظر نسبت به حکم خواهد داشت.» (تبریزی، ۱۳۹۵، ص ۴۲)

ماده ۶ قانون مسئولیت مدنی در همین زمینه می‌افزاید: «در صورت مرگ آسیب‌دیده، زیان شامل کلیه هزینه‌ها مخصوصاً هزینه کفن و دفن است. اگر مرگ فوری نباشد هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان شمرده خواهد شد. در صورتی‌که در زمان وقوع آسیب، زیان‌دیده قانونان مکلف بوده و یا ممکن است بعدها مکلف شود شخص ثالثی را نگاه‌داری نماید و در اثر مرگ او شخص ثالث از آن حق محروم گردد واردکننده زیان باید مبلغی به‌عنوان مستمری متناسب تا مدتی که ادامه حیات آسیب‌دیده عادتاً ممکن و مکلف به نگاه‌داری شخص ثالث بوده به آن شخص پرداخت کند در این صورت تشخیص میزان تأمین که باید گرفته شود با دادگاه است. در صورتی‌که در زمان وقوع آسیب نطفه شخص ثالث بسته‌شده و یا هنوز طفل به دنیا نیامده باشد، شخص یادشده استحقاق مستمری را خواهد داشت.» (دیلمی، ۱۳۹۶، ص ۲۶) بنابراین می‌توان طبق قانون نتیجه گرفت که وجود ضرر در بحث ژنتیک به عهده مسئول زیان است و بایستی جبران خسارت نماید.

۳-۱-۲- فعل زیان‌بار

اولین شرط تحقق مسئولیت مدنی فعل زیان‌بار هست حال بایستی بررسی نمود که تحقق وجود ضرر در تحقیقات ژنتیک به چه صورتی است که در ادامه توضیح خواهیم داد:

در تحلیل این موضوع می‌توان بیان نمود برای آنکه مسئولیت مدنی ایجاد شود، باید کار زیان بار ناهنجار بوده و اخلاق عمومی ورود ضرر را ناشایسته بداند. ماده اول قانون مسئولیت مدنی نیز با اشاره به این امر که «هرکس بدون مجوز قانونی عمدا یا در نتیجه بی‌احتیاطی ... موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است» به غیرقانونی بودن عمل موجد مسئولیت مدنی اشاره دارد که در موضوع حاضر، این فعل، عبارت از عملیات تحقیقات ژنتیکی است.

۳-۱-۳- رابطه سببیت

سومین شرط تحقق مسئولیت مدنی رابطه سببیت هست حال بایستی بررسی نمود که تحقق وجود ضرر در تحقیقات ژنتیک به چه صورتی است که در ادامه توضیح خواهیم داد:

در تحلیل این موضوع می‌توان بیان نمود که اثبات ورود ضرر به زیان‌دیده و همچنین ارتکاب نقض یا وقوع فعلی از طرف خواننده یا کسانی که مسئولیت اعمال آنان با اوست، به‌تنهایی دعوی خسارت را توجیه نمی‌کند، بلکه باید احراز شود که بین دو عامل ضرر و فعل زیان‌بار رابطه سببیت وجود دارد یعنی ضرر از آن فعل ناشی شده است. برای آن‌که حادثه‌ای سبب شمرده شود باید آن حادثه در شمار شرایط ضروری تحقق ضرر باشد.

۳-۱-۴- مسئولیت قراردادی در تحقیقات ژنتیک نسبت به ارث

در بحث مسئولیت قراردادی در تحقیقات ژنتیک بایستی عنوان نمود که برابر ماده ۲۲۱ قانون مدنی: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف، مسئول خسارت طرف مقابل است، مشروط بر اینکه جبران خسارت، تصریح‌شده و یا تعهد عرفا به‌منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون، موجب ضمان باشد.» (صفایی، ۱۳۹۵، ص ۶۵)

در فرض دیگری ممکن است شرط مطالبه خسارت و یا عدم النفع شود که در این صورت با گونه‌ای شرط فعل یا شرط نتیجه روبرو خواهیم بود.

بنابراین با توجه به اینکه در بسیاری از موارد، فرد دارای حق (برای نمونه، جنین موضوع تحقیقات ژنتیکی) در موقعیتی نیست که بتواند چنین شرطی را بگذارد، باید بر این باور بود که تعهد حرفه‌ای پزشک، عرفا به‌منزله تصریح خواهد بود.

۳-۱-۵- مسئولیت خارج از قرارداد در تحقیقات ژنتیک نسبت به ارث

یکی دیگر از موارد موردبررسی در بحث حاضر مسئولیت خارج از قرارداد در تحقیقات ژنتیک است: بررسی مواد ۳۳۱، ۳۲۸ و ۳۳۲ قانون مدنی ایران به‌خوبی نشان می‌دهد که از نظر قانون‌گذار در حوزه مسئولیت قهری، هر نوع خسارتی موجب ضمان نیست؛ بلکه باید بر آن اتلاف «مال» یا تسبیب در «تلف مال» صدق کند تا قابل مطالبه باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت: از دیدگاه قانون‌گذار مدنی، مبنای مسئولیت مدنی ناشی از تخلف از اجرای تعهد، با مبنای مسئولیت قهری به‌کل ی تفاوت دارد. (متولی زاده اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۷۶)

مبنای مسئولیت مدنی ناشی از تخلف از اجرای تعهد، «اراده طرفین» و مبنای مسئولیت قهری «حکم قانون‌گذار» است. ماده یک قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ مقرر می‌دارد: «هرکس بدون مجوز قانون‌عمدا، یا در نتیجه بی‌احتیاطی، به جان یا سلامتی یا

مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود است.» (متولی زاده اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۷۶)

بنابراین مسئولیت مدنی علی‌الاصول بر مبنای تقصیر استوار شده است زیرا قانون، در مقام بیان قاعده کلی، مقرر داشته که ورود ضرر به دیگری باید در نتیجه عمد یا بی‌احتیاطی صورت گیرد.

ماده ۳۰۷ قانون مدنی، در چهارچوب ضمان قهری از چهار عامل زیر یاد می‌کند:

الف: غصب و آنچه در حکم غصب است: غصب تئوری مستقلی است که از استیلا نامشروع بر حق دیگری ناشی می‌شود. ماده ۳۰۸ قانون مدنی از آن به عنوان استیلا بر حق غیر به نحو عدوان یاد کرده است. این تعریف، فرضی را نیز که شروع استیلا به اذن مالک بوده ولی بدون مجوز و پس از قطع اذن ادامه یابد را نیز دربرمی‌گیرد. در نگاه اول، گمان می‌رود در حوزه مدنی بتوان اموری چون سوءاستفاده از اطلاعات ژنتیکی و یا سرقت آن‌ها به گونه‌ای که فرد دارای حق از امکان استفاده از آن‌ها محروم باشد را در دایره شمول غصب قرارداد. در این صورت، برابر ماده ۳۱۵ همان قانون، غاصب مسئول هر نقص و عیبی خواهد بود که در زمان تصرف او به مال مغضوب وارد شده باشد هر چند مستند به فعل او نباشد. (تیموری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲)

مشکلی که در اینجا وجود دارد این است که نه ژن - دست‌کم تا هنگامی که عضوی از اعضای بدن انسان تلقی می‌شود - و نه اطلاعات ژنتیکی انسان «مال» نیستند. فلذا نمی‌توان قواعد مربوط به غصب را بر آن‌ها جاری نمود.

ب: اتلاف: اتلاف به موردی اختصاص می‌یابد که شخص به‌طور مستقیم مال دیگری را تلف کند و در این تلف کردن، مباشر تلف باشد و نه مسبب آن. اتلاف در قانون مدنی اختصاص به از بین بردن مال دیگری داشته و شامل وارد آوردن آسیب به افراد نمی‌شود. برابر ماده ۳۳۱ قانون مدنی، هر کس سبب تلف مالی شود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت برآید. هم از این ماده و هم از عبارت معروف فقهی‌ماتن «لَف مال الغیر فَه و لَه ضامن» به نظر می‌رسد که قاعده اتلاف فقط در مورد از بین رفتن اموال جریان می‌یابد. (تیموری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۳)

از این‌رو و با توجه به آنکه نمی‌توان آنچه را که در عملیات تحقیقاتی ژنتیکی از بین می‌رود مال نامید، قاعده اتلاف نمی‌تواند موضع مناسبی برای تحلیل موضوع مورد بحث باشد. البته «منفعت مال» نیز مال تلقی می‌شود؛ اما اطلاق واژه مال به اعضای تشکیل‌دهنده بدن انسان - و از جمله ژن‌های هسته‌ای - دست‌کم تا هنگامی که در بدن انسان قرار دارند محل تردید است.

ج: تسبیب: در تسبیب نیز شخص به‌طور مستقیم، مباشر تلف کردن مال نیست بلکه تنها مقدمه تلف آن را فراهم می‌کند. به دیگر سخن، مسبب کاری انجام می‌دهد که در نتیجه آن کار، یا همراه با علت‌های دیگر، تلف واقع می‌شود. در تسبیب، شخص به‌طور مستقیم مباشر تلف یا زیان نیست بلکه تنها مقدمه تلف را فراهم می‌کند. (تیموری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۳)

درباره تسبیب نیز در نگاه اول، چنین می‌نماید که اقدام به عملیاتی مانند تحقیقات ژنتیکی به گونه‌ای که صاحب ژن به عنوان مباشر، اقدام به وارد آوردن زیان نماید می‌تواند مصداق تسبیب قلمداد شود. حال آنکه تسبیب نیز علی‌الاصول در چهارچوب مال قابل بررسی است و از این‌رو، نمی‌تواند موضع مناسبی برای تحلیل مسئولیت ناشی از تحقیقات ژنتیکی باشد.

د: استیفا: در استیفا، قانون‌گذار کسی را که از مال یا کار دیگری با اذن او سود برده است، موظف می‌داند تا عوض آنچه را استیفا کرده بپردازد؛ هر چند به مالک یا عامل هیچ زبانی نرسیده باشد. گمان می‌رود که موضوع تحقیقات ژنتیکی از قلمرو استیفا خروج موضوعی داشته باشد و از این‌رو از پرداختن به آن چشم‌پوشی می‌شود. از آنچه گفته شد برمی‌آید که ضمان قهری ناشی از عملیات تحقیقات ژنتیکی در قوانین ایران پیش‌بینی نشده است.

۲-۳- رحم جایگزین در تحقیقات ژنتیک و ارث

پیشرفت علم و فن‌آوری در عصر حاضر بسیار سرعت گرفته است و این امر با خود مسائل و موضوعاتی را به همراه آورده که لازم است از جنبه‌های مختلف مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرد. یکی از این پیشرفت‌ها که به‌طور روزافزون در حال تکامل است، روش‌های نوین کمک باروری یا فناوریهای کمکی تولیدمثل انسانی است. شیوه‌هایی که دربرگیرنده تلقیح نطفه به داخل لوله رحم، انتقال نطفه بارور شده به داخل لوله رحم ۲، تزریق اسپرم به داخل تخمک ۳ و لقاح خارج رحمی ۴ می‌شود. در این میان رحم جایگزین یا مادر قراردادی را نیز می‌توان یکی از راه‌های درمان ناباروری محسوب کرد. این امر به‌خود خود نشانگر شیوه خاصی از فناوریهای کمکی تولیدمثل انسانی نیست، بلکه تنها توافقی است که برحسب آن زنی می‌پذیرد بارداری شود و پس از بارداری کودک را به زوجین متقاضی کودک تحویل دهد. (پونزتی، ۵، ۲۰۰۳، ص ۹۲)

در این قسمت موضوع و مسئله اصلی مسئولیت مدنی ناشی از تحقیقات ژنتیکی در مورد رحم جایگزین است. به‌عبارت‌دیگر سؤال ما این است که در صورت استفاده از رحم جایگزین، در چه شرایطی مسئولیت مدنی ایجاد می‌شود و خسارت قابل مطالبه است.

۱-۲-۳- قوانین مربوط به جواز رحم جایگزین

در حقوق ایران موضوع رحم جایگزین مشمول قانون خاصی نیست و همانند فنلاند، یونان و ایرلند، بدون این‌که قانون خاصی برای آن وجود داشته باشد، این شیوه باروری مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته شاید در بدو امر به ذهن خطور کند که پذیرش مسئله اهداء جنین و تصویب قانون نحو اهدای جنین به زوجین نابارور در سال ۱۳۸۲ به‌طور ضمنی بر تأیید رحم جایگزین دلالت می‌کند، زیرا به هر حال لازم است جنین لقاح یافته در رحم زن پذیرنده جنین جای گیرد. لیکن به نظر می‌رسد این توهم بدوی به‌سرعت قابل‌رفع است، زیرا همان‌طور که در ماده ۱ آن قانون آمده، آنچه مجاز شمرده شده است اهدا و انتقال جنین‌های حاصل از تلقیح خارج از رحم زوج‌های قانونی به رحم زنانی است که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی، ناباروری آن‌ها به اثبات رسیده است؛ درحالی‌که در بحث رحم جایگزین و جانشین، زن قبول می‌کند تا جنین در رحم او جای گیرد و رشد کند تا پس از به دنیا آمدن به دیگری تحویل داده شود. (رحیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۹)

با سکوت قوانین و مقررات درباره استفاده از رحم جایگزین دو راه‌حل پیش روی ما وجود دارد. یک‌راه آن‌گونه که اصل یک‌صد و شصت و هفتم تصریح می‌کند مراجعه به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر است. این راه چندان کمکی به ما نمی‌کند؛ زیرا همان‌طور که گفته شد به دلیل تازه بودن موضوع رحم جایگزین متن صریحی در آیات و روایات در این خصوص وجود ندارد و قواعد و اصول فقهی موجب دو برداشت متفاوت شده است و عده‌ای از فقها با استفاده از رحم جایگزین موافق و عده‌ای دیگر مخالف‌اند.

اما راه‌حل دیگر که اکثر حقوقدانان بدان تمایل دارند، استناد به عمومات و قواعد کلی قراردادها در بحث استفاده از رحم جایگزین است. زیرا ماده ۱۰ قانون مدنی مقرر نموده است که قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است و مخالفت صریح با قرار دادن رحم جایگزین وجود ندارد. (رحیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۹)

ماده ۲۲۳ قانون مدنی نیز اصل صحت را در قراردادهای اعلام می‌کند و هر معامله را که واقع شده باشد، محمول بر صحت می‌داند. ماده ۲۱۹ همین قانون نیز مقرر می‌کند: عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم‌مقام آن‌ها لازم‌الاجراست. (کاتوزیان، ۱۳۹۶، ص ۲۳)

هرچند برخی از اساتید حقوق ایران، به علل مختلف از جمله اینکه توالد، بدون عشق خواهد گردید و خانواده‌ای باهدف داشتن فرزند تشکیل نخواهد شد، نسبت به استفاده از رحم جایگزین و قرارداد مربوط به آن ابراز تردید کرده‌اند و برخی دیگر، همانند حقوقدانان فرانسوی، قرارداد رحم جایگزین را موجب تصرف در وضعیت شخص و جسم انسان و برخلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه (ماده ۹۷۵ ق.م. قلمداد کرده‌اند. (کاتوزیان، ۱۳۹۶، ص ۲۳)

اما به نظر می‌رسد در وضعیت فعلی که نظرات فقها متفاوت است و قانون خاصی بر منع و عدم صحت چنین قراردادی دلالت نمی‌کند، می‌باید با استفاده از قواعد عمومی قراردادهای، چنین امری را صحیح دانست و آن را به‌عنوان آخرین راه‌حل مشکل ناباروری زوجین به کار گرفت. به‌خصوص که با تصویب قانون اهداء جنین، قانون‌گذار، انتقال جنین تشکیل‌شده از اسپرم و تخمک زوجین بیگانه به رحم زن دیگر را مجاز شمرده و آنچه در رحم جایگزین متفاوت از اهداء جنین است این امر است که بارداری برای دیگری است که ظاهراً دلیل خاصی برای مغایرت آن با اخلاق حسنه و نظم عمومی وجود ندارد.

۳-۲-۲- شرایط صحت قرارداد رحم جایگزین و ارث

جواز و صحت قرارداد استفاده از رحم جایگزین مشکل را به‌طور کامل حل نمی‌کند. زیرا سؤال بعدی این است که آیا شرایط صحت قرارداد همان است که در ماده ۱۹۰ قانون مدنی آمده است؟ به‌عبارت دیگر آیا به‌صرف تحقق قصد طرفین و رضای آن‌ها، اهلیت طرفین (که مطابق قواعد عمومی تعیین می‌گردد)، موضوع معین که مورد معامله باشد و مشروعیت جهت معامله جنین قراردادی صحیح است؟ به نظر می‌رسد که هر یک از این شرایط را می‌باید جداگانه مورد توجه قرارداد.

قصد طرفین و رضای آن‌ها: در حقوق ایران اصل بر رضایی بودن قرارداد است و اصولاً تشریفات خاصی برای ابراز اراده لازم نیست. لیکن به نظر می‌رسد استفاده از رحم جایگزین از چنان اهمیتی برخوردار است که لازم است برای جلوگیری از اختلافات آینده و نزاع‌هایی که آثار بسیار سو اجتماعی خواهد داشت، قانون‌گذار کتبی بودن یا حتی رسمی بودن چنین قراردادی را جز شرایط صحت آن بداند تا مقام صلاحیت‌دار قانونی آن را تنظیم نماید و بر وجود شرایط ویژه این قرارداد نظارت نماید و به‌علاوه اثبات آن آسان گردد. (قاسمی، ۱۳۹۴، ص ۵۶)

اهلیت طرفین: به نظر می‌رسد در تعیین اهلیت طرفین نمی‌توان به وجود اهلیت مطابق قواعد عمومی اکتفا نمود. هرکس شایستگی آن را ندارد که بخواهد از رحم جایگزین استفاده کند یا داوطلب بارداری برای دیگری گردد و نباید اجازه داد تا مطابق قواعد عمومی، ولی محجور به‌جای او درباره این امر تصمیم بگیرد. به‌علاوه، صرف اهلیت داشتن مطابق قواعد عمومی برای بارداری و در اختیار گذاردن رحم برای دیگری کافی نیست. به نظر می‌رسد که در ایران نیز عملاً در موارد غیرضروری نباید اجازه داد از رحم جایگزین استفاده شود؛ که این به معنای شرایطی است که نداشتن بچه برای زوج نابارور، موجب جدایی می‌شود یا مشکلات غیرقابل‌تحملی برای آنان فراهم می‌آورد یا راه‌حل دیگری وجود ندارد یا موجب عسر و حرج می‌شود. (قاسمی، ۱۳۹۴، ص ۵۶)

به‌علاوه درباره این موضوع نیز باید تأمل نمود که آیا زنی که می‌خواهد با روش رحم جایگزین باردار شود باید ازدواج کرده باشد یا زنی که ازدواج نکرده و بچه‌ای ندارد هم چنین امکانی را دارد. از یک‌سو عدم ازدواج و شوهر نداشتن این زن، تحقق شیوه

رحم جایگزین را ساده تر می کند، زیرا مانعی برای عدم برقراری رابطه زناشویی در طول دوران بارداری (آن گونه که در رحم جایگزین لازم است) وجود نخواهد داشت؛ اما از سوی دیگر مجرد بودن و نداشتن سابقه بارداری، نگرانی هایی را برای تحقق موفقیت آمیز نتایج این شیوه ایجاد می کند. (شهیدی، ۱۳۹۰)

موضوع معین که مورد معامله باشد: موضوع قرارداد رحم جایگزین، پذیرش حمل و بارداری جنین تا پایان مدت لازم و تحویل کودک پس از زایمان است؛ اما آنچه بحث برانگیز است، پرداخت پول به زنی است که حاضر به بارداری برای دیگری می شود، یعنی قرارداد رحم جایگزین می تواند معوض و دارای دو موضوع باشد این عقیده در میان مردم و اندیشمندان رواج دارد که انگیزه های مادی عمده ترین دلیلی است که موجب می شود شخص حاضر شود برای دیگری رنج بارداری را تحمل کند. (رحیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۱)

ظاهراً حقوقدانان ایران این نظر را پذیرفته اند که معوض بودن قرارداد و کسب درآمد برای در اختیار گذاردن رحم و باردار شدن برای دیگری اشکالی ندارد و در این صورت برخی آن را نوعی اجاره شخص و خدمت در نظر گرفته اند و این وضعیت را با اجیر شدن زن برای شیر دادن کودک دیگری یا کودک خویش قیاس نموده اند که در فقه بلاشکال است. اگر عوضی نیز در نظر گرفته نشود باز قرارداد صحیح است و می توانیم آن را به عاریه رحم تعبیر کنیم (شهیدی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۷)

- مشروعیت جهت معامله: برای آنکه توافق نسبت به استفاده از رحم جایگزین، توافقی صحیح باشد، مطابق قواعد عمومی قراردادهای لازم است تا جهت آن مشروع باشد، البته روشن است که لازم نیست جهت قرارداد تصریح شود ولی اگر تصریح شده باشد، باید مشروع باشد والا معامله باطل است (ماده ۲۱۷ قانون مدنی). (رحیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۲)

بنابراین، قرارداد رحم جایگزین به هدف این که کودک را پس از تولد بفروشند یا به کارهای نامشروع بگمارند و یا اعضای بدن او را مورد دادوستد قرار دهند، باطل خواهد بود.

۳-۳- ارث کودکان ناشی از اسپرم اهدایی

یکی از فواید نکاح که در شریعت اسلام به آن تأکید شده، بقای نسل و ادامه حیات است که در قرآن به کرات به آن اشاره شده است. هر زن و شوهری حق دارند از داشتن فرزند برخوردار شوند و از خداوند بخواهند که به آنان فرزندان صالح عطا فرماید. در شرع مقدس اسلام برای هر فعلی از افعال انسانها حکمی قانون گذاری شده است. مسئله تولیدمثل و انتساب کودک متولد شده از طریق مصنوعی از پدیده هایی است که باید حکم تکلیفی و وضعی آن مشخص گردد. (اسلامی، ۱۳۸۴)

تلقیح مصنوعی معمولاً به دو روش انجام می شود یکی با اسپرم شوهر و دیگری با اسپرم بیگانه. تلقیح مصنوعی با استفاده از اسپرم شوهر خود دارای دو روش است در روش اول هرگاه پس از ازدواج، بین نطفه زن و شوهر تلقیح انجام پذیرد بدین ترتیب که نطفه مرد را به رحم زن وارد کنند، این کار تلقیح مصنوعی داخل رحمی نامیده می شود و اگر بین تخمک زوجه و اسپرم همسر او در آزمایشگاه تلقیح انجام شود آن کودک را آزمایشگاهی یا تلقیح مصنوعی خارج رحمی می گویند. (طباطبایی و عمویی، ۱۳۹۵، ص ۵۶)

در روش دوم در مواردی که مرد به فقدان کامل اسپرم (آزواسپرمی) مبتلاست یا خطر انتقال بیماریهای ارثی از مرد به نوزاد وجود دارد، استفاده از اسپرم بیگانه روش درمانی دیگری است که به زوج نابارور توانایی پدر و مادر شدن را می دهد. برخلاف روش اول احکام وضعی کودک متولد شده از روش دوم از پیچیدگی بیشتری برخوردار است. تولیدمثل با استفاده از اسپرم بیگانه

هرچند جزء مسائل نو پیدا به شمار می‌آید لیکن در زمان‌های قدیم موارد مشابهی بین مردم اتفاق می‌افتاده و در این زمینه پرسش‌هایی از ائمه اطهار (ع) به عمل آمده است. (طباطبایی و عمویی، ۱۳۹۵، ص ۵۶)

به‌عنوان نمونه محمد بن مسلم از امام صادق و امام باقر (ع) نقل می‌کند که گروهی از امام حسن (ع) پرسیدند: زنی پس از آنکه شوهرش با وی مجامعت کرد با دختری باکره مساحقه می‌کند و نطفه شوهرش در رحم دختر مزبور قرار می‌گیرد و حامله می‌شود. در این باره چه می‌فرمایید؟ امام حسن (ع) فرمودند: در مرحله اول از زن مزبور، مهریه دختر گرفته می‌شود، زیرا بچه تنها با زایل شدن بکارت دختر خارج می‌شود، سپس آن زن رجم می‌شود زیرا محصنه است و پس از آنکه طفل متولد گردید، این طفل به صاحب نطفه تحویل می‌گردد و بر دختر مزبور نیز پس از وضع حمل، حد جاری می‌شود. (حر عاملی، ۱۴۳۰، ص ۱۶۸)

با این توضیحات هدف این بخش بررسی کامل ارث کودک ناشی از اسپرم‌های اهدایی است به همین دلیل در چند بخش مجزا این بحث را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۳-۳-۱- تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر

دو بعد مهم در بررسی ارث کودک ناشی از تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر در مورد مباحث فقهی و حقوقی است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت:

به عقیده اکثر فقها هرگاه تلقیح مصنوعی با استفاده از اسپرم شوهر و تخمک زوجه صورت گیرد، کودک به زوجین منتسب خواهد بود. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳، ص ۵۶۴)

حقوقدانان نیز معتقدند در این نوع تلقیح، رابطه زوجیت بین زن و مردی که پدر و مادر طفل محسوب می‌شوند وجود دارد و طفل نیز بنا بر فرض، از ترکیب نطفه‌های این دو ایجاد شده است و طفل متولد شده، طفل قانونی است و تمامی شرایط لازم برای نسب قانونی را دارا است و فرقی که مورد لقاح مصنوعی با موارد عادی دارد آن است که در لقاح مصنوعی، طفل به وسیله طبیعی یعنی نزدیکی زن و شوهر به وجود نیامده است و این امر تأثیری در نسب قانونی ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۹۶، ص ۳۲۹)

سؤالی که مطرح می‌شود این است که طفلی که از تلقیح زوجین به وجود آمده آیا از پدر و مادر خود (زوجین) ارث می‌برد؟ روشن است که فرزند حاصل از این تلقیح هیچ فرقی با فرزند ناشی از نزدیکی ندارد و بین پدر و مادر وی حالت توارث وجود خواهد داشت اگرچه ممکن است در رابطه با انتقال نطفه به رحم زن اعمال حرامی چون لمس بدن توسط اجنبی انجام پذیرد. (بندرچی، ۱۳۹۳، ص ۲۶۳)

اشکالی در انتساب آن طفل به صاحب اسپرم نیست، چون او پدر فرزند است، چنانکه دلایل شرعی و فتاوی فقها از جمیع مذاهب و طوایف اسلامی بر این قول دلالت دارد. بنابراین طفل به‌طور قطع از زوج و زوجه ارث می‌برد و بالعکس. (محللاتی، ۱۳۹۴، ص ۷۵)

محمدحسن مرعشی شوشتری نیز در این باره فرموده‌اند: تلقیح نطفه زوج در رحم زوجه، با رعایت موازین شرعی، اشکالی ندارد و ارث می‌برد. بنابراین برابر مواد ۸۶۱ تا ۹۳۶ ق.م پدر و مادر و اولاد و اولاد و اجداد و جدات و ... به ترتیب اقرابت از متوفی ارث می‌برند. فرزند ناشی از لقاح مصنوعی با اسپرم شوهر نیز از کلیه اقارب نسبی عنوان شده ارث می‌برد و کلیه اقارب مذکور نیز از او ارث خواهند برد به شرط اینکه موجبات ارث فراهم باشد و مانعی وجود نداشته باشد. (انصاری و ظاهری، ۱۳۹۰، ص ۲) بدین ترتیب دیده می‌شود که فقها و حقوقدانان در بررسی ارث کودک ناشی از تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر نگاه‌های مختلفی داشته‌اند ولی در یک نگاه کلی همه مباحث به اینجا ختم می‌شود که کودک شامل افراد دارای ارث می‌شود.

۳-۳-۲- حمل در تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر

یکی دیگر از مباحث ارث کودک ناشی از اسپرم‌های اهدایی، شرط وراثت کودک از طریق حمل در تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر هست که در این زمینه نیز فقها و حقوقدانان نظرات متعددی را ارائه داده‌اند که در ادامه به بررسی هر یک از آن‌ها خواهیم پرداخت.

شرط وراثت این‌گونه اطفال این است که نطفه آنان در حین فوت مورث منعقدشده باشد و اگر حمل بعد از فوت پدر به وجود آمده باشد با اینکه فرزند شرعی و قانونی آن پدر محسوب می‌شود و با او کاملاً قرابت خونی دارد برابر ماده ۸۷۵ ق.م.چون نطفه او حین الموت پدر منعقد نشده از او ارث نمی‌برد. زیرا در فقه اسلامی و قانون مدنی برای ارث حمل دو شرط ذکر شده است. در ماده ۸۷۵ ق.م. آمده است: اگر حملی باشد در صورتی ارث می‌برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود، اگرچه فوراً پس از تولد بمیرد. (پور قهرمانی، ۱۳۹۱)

در بحث تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر در صورتی که انعقاد نطفه در رحم زوجه بعد از فوت مورث باشد مستلزم یک اشکال مهم خواهد بود و آن این است که چنین حملی اگر از پدر ارث ببرد با شرط اول منافات دارد و اگر ارث نبرد با آیه شریفه *وصیکم (م‌الل‌و- لاده فی ل کذکم کرمات لأل ن ح ظئی ی ن)* منافات دارد (قبله‌ای خویی، ۱۳۸۶، ص ۳۶۶)

فرض مسئله به این شکل است که اسپرم شوهر اخذشده و بعد از تقویت و آماده‌سازی به زوجه تلقیح شود یا اینکه زوجه بعد از اخذ اسپرم آمادگی تولید تخمک را ندارد بنابراین اسپرم شوهر در وسایل مصنوعی نگهداری تا تخمک تولید و آماده تلقیح شود در فاصله اخذ و تلقیح اسپرم، شوهر فوت کند و بعد از فوت او اسپرم به زوجه تلقیح شود این امر ثابت است که فرزند از پدر خود ارث نخواهد برد. البته انتقادی نیز بر این ماده وارد شده که فرزند کاملاً با پدر خود رابطه خونی دارد و نسب وی مشروع است بنابراین دور از انصاف است که چنین فرزندی از ارث محروم شود؛ اما ممکن است پاسخ داده شود که بعد از فوت مارتک به ورثه موجود انتقال داده می‌شود و فقط حمل موجود از ارث متوفی، منتفع است در حالی که اسپرم بدون ترکیب تخمک حمل محسوب نمی‌شود که صاحب حق باشد. (صمدی اهری، ۱۳۹۶، ص ۸۰)

در این باره فقها اختلاف نظر دارند دو نظریه در این زمینه مطرح است:

الف: عدم جواز ارث: در این زمینه مقام معظم رهبری فرمودند: اگر نطفه شوهر گرفته شود و بعد از وفات او با تخمک همسرش لقاح شده و سپس به رحم منتقل شود عمل مذکور فی‌نفسه اشکال ندارد و کودک به صاحب تخمک و رحم ملحق می‌شود و الحاق آن به صاحب نطفه هم بعید نیست و فرزندی که به دنیا می‌آید از صاحب نطفه ارث نمی‌برد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۱، ص ۲۸۲)
ب: جواز ارث: از امام خمینی (ره) سؤالی در این باره شده است بدین مضمون: اگر شوهر زن یک روز قبل از عمل تلقیح فوت کند و نطفه بعد از فوت شوهر منعقد گردد، آیا طفل از شوهر ارث می‌برد؟ (جوهری، ۱۳۹۰)

فرق بین زنده‌بودن پدر (صاحب نطفه) در حین تلقیح: فرقی بین زنده‌بودن پدر در حین تلقیح یا مردن او نیست، بعد از آنکه زوج خود خواستار فرزند ناشی از تلقیح بوده است. (محمدی همدانی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۱) یکی دیگر از فقهای معاصر در این مورد معتقدند فرزند حاصل از این عمل، حلال‌زاده است و همه آثار فرزند از قبیل ارث و محرمیت و... بر او بار می‌شود و در ترتیب آثار فرقی بین زنده‌بودن صاحب نطفه در حین تلقیح و یا مردن او نیست. (صانعی، ۱۳۷۷، ص ۶۹۰) در سخنان برخی از فقهای امامیه از جمله سیستانی در کتاب «وسائل الانجاب الصناعیه» ملاک و معیار توارث میان جنین و والدین خود، منعقد بودن نطفه جنین در زمان فوت مورث معرفی شده است و حتی در عبارات فقها تصریح شده است که انعقاد نطفه حین الموت کافی در تحقق ارث است، ولی ممکن است دائره ارث را وسیع‌تر از عنوان حمل قرار داده و معتقد شویم که صرف دخول اسپرم در مهبل

قبل از وفات زوج نیز کافی در تحقق ارث است لذا هرگاه مردی هنگام آمیزش با همسر خود یا بلافاصله پس از آمیزش فوت کند و بر اثر این عمل، همسر او باردار شود و کودکی را به دنیا آورد، کودک مزبور از پدر خود ارث می‌برد، هرچند هنگام فوت مرد، حملی تحقق نیافته و حتی هنوز لقاح بین اسپرم و تخمک نیز صورت نگرفته باشد. (اردبیلی، ۱۴۱۴، ص ۵۴۶)

البته به نظر می‌رسد که این تعمیم نیز صحیح نیست، زیرا نصوص وارد در مسئله ارث جنین صرفاً به حمل دلالت دارد و عنوان حمل زمانی صادق است که لقاح میان اسپرم و تخمک انجام شده و جنین در جداره رحم لانه‌گزینی کرده باشد، چنانکه از فقهای معاصر مرحوم آیت‌الله خویی در کتاب «المسائل الشریعه» در مسئله ارث جنین صدق عنوان حمل را در زمان فوت مورث معتبر دانسته است. بنابراین انعقاد نطفه و تحقق حمل پس از فوت مورث، خواه به صورت طبیعی یا مصنوعی، سبب برقراری توارث میان جنین و والدین او نخواهد شد. (صفایی و علوی قزوینی، ۱۳۹۰، ص ۵۱) با توجه به مطالب بیان شده به نظر می‌رسد هرچند حملی که نطفه‌اش پس از فوت پدرش منعقد شده است به معنای حقیقی فرزند متوفی است و محروم ماندنش از ارث، با احساسات و عواطف سازگار نیست، اما با وجود صراحت ماده ۸۷۵ ق.م در مورد شرط بودن انعقاد نطفه حمل برای وراثت او، پذیرفتن ارث برای چنین فرزندی قانوناً ممکن به نظر نمی‌رسد. (حاجی عزیزی، قفقازی الاصل، ۱۳۹۳)

حال به فرض که چنین فرزندی از پدر خود ارث نبرد آیا از اقارب نسبی خود ارث می‌برد یا با قطع رابطه توارث بین پدر و فرزند، رابطه توارث بین فرزند و خویشاوندان نسبی نیز منتفی است؟

با توجه به ماده ۸۶۲ ق.م اشخاصی که به موجب نسب ارث می‌برند سه طبقه‌اند: ۱. پدر و مادر و اولاد و اولاد ۲. اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها (حمدالهی، ۱۳۸۸)

۳. اعمم و اعمات و احوال و خالات و اولاد آنها حال آنکه در موقع فوت اقارب نامبرده شده طفل وجود داشته و نطفه او قبل از فوت آنها منعقد بوده است بنابراین این فرزند از اقارب خود ارث می‌برد و عرفاً نیز فرزند حاصل از تلقیح مصنوعی از برادران و خواهران و همچنین نوه و جد و جده خود محسوب و از جهت قانونی و شرعی نیز از محارم آنان محسوب است یعنی چنین فردی نمی‌تواند با عمه، خاله خود ازدواج کند پس مطابق ضوابط قانونی این طفل از اقارب خود ارث می‌برد و منع شرعی و قانونی در بین نیست. (صمدی اهری، ۱۳۹۱، ص ۸۱).

بدین ترتیب دیده می‌شود که فقها و حقوقدانان در بررسی شرط وراثت کودک از طریق حمل در تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر نگاه‌های مختلفی داشته‌اند که فرآیند آن از یکسو به کودکان دارای ارث می‌رسد و از دیگر سو به حق کودکان بدون ارث می‌رسد.

۳-۳-۳- تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه

یکی دیگر از مباحث ارث کودک ناشی از اسپرم‌های اهدایی، ارث کودک ناشی از تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه هست که در این زمینه نیز فقها و حقوقدانان نظرات متعددی را ارائه داده‌اند که در ادامه به بررسی هر یک از آنها خواهیم پرداخت. در صورتی که زوج فاقد اسپرم بارور بوده ولی زوجه دارای تخمک بارور و رحم سالم باشد معمولاً، درمان ناباوری از طریق اهدای اسپرم صورت می‌گیرد. (غفاری، ۱۳۹۶، ص ۱۰)

در مسئله اهدای اسپرم اولین سؤالی که مطرح می‌شود وضعیت نسب کودک متولد شده با صاحب اسپرم از یکسو و صاحب تخمک (زوجه) و شوهر زن از سوی دیگر است. در مورد زوج فاقد اسپرم باید گفت کودک هیچ حال به وی متعلق نیست زیرا از نطفه او متولد نشده است و در اسلام، فرزند دیگری را از آن خود خواندن، جایز نیست؛ اما در مورد صاحب اسپرم برخی از

حقوق دانان بین موردی که تلقیح با اطلاع مرد و یا زن یا بدون اطلاع ایشان انجام شود، تفاوت قائل شده و طفل متولد از تلقیح مصنوعی را در صورت اطلاع مرد و زن، در حکم فرزند ناشی از زنا دانسته و معتقدند نسب و به تبع آن توارث ثابت نمی‌شود و در صورت جهل ایشان، در حکم ولد به شبهه دانسته‌اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶، ص ۲۶۶)

برخی از فقهای اهل سنت نیز تلقیح با استفاده از اسپرم مرد بیگانه را نامشروع دانسته و احکام ولدالزنا را بر آن جاری کرده و گفته‌اند:

«همچنان که در مورد زنا، توارث بین پدر و کودک منتفی است، در مورد بحث نیز چنین خواهد بود. ابوحنیفه، مالک و شافعی نیز معتقدند که ولدالزنا از مادر و خواهر و برادر مادری خود ارث می‌برد و بالعکس» (صفایی؛ علوی قزوینی، ۱۳۹۰، ص ۴۰)

ابن حزم اندلسی در کتاب «المحلی» در این خصوص می‌نویسد: ولدالزنا از مادر و مادر از او ارث می‌برد و برای اوست حق مادری از قبیل، نیکی کردن و انفاق و حرمت نکاح و سایر احکام مادران، اما شخصی که از نطفه او طفل به دنیا آمده است از مال وی ارث نمی‌برد و حق پدری برای او ثابت نمی‌شود زیرا او نسبت به آن فرزند بیگانه است. (حزم اندلسی، ۱۴۲۱، ص ۷۴۴)

بنابراین بر مبنای مشهور فقها ولدالزنا از پدر و مادر خود ارث نمی‌برد. بر این مبنا هرچند کودک متولد از تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه به پدر یعنی صاحب اسپرم و مادر ملحق می‌شود و زنا در این واقعه تحقق نیافته ولی شاید بتوان گفت همانند کودک متولد از زنا از آن‌ها ارث نمی‌برد و توارث بین آن‌ها ثابت نمی‌شود. (ربانی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۰)

در این باره عده‌ای از فقهای معاصر از جمله مقام معظم رهبری معتقدند که طفل حاصل از تلقیح مصنوعی بیگانه چه صاحب اسپرم آگاه از این موضوع باشد چه جاهل به صاحب اسپرم ملحق و فرزند وی محسوب می‌شود به دلیل اینکه در این نوع تلقیح عمل زنا صورت نگرفته تا طفل ولد زنا محسوب شود. (صفایی و امامی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۴)

با توجه به مطالب بیان شده آنچه درست به نظر می‌رسد این است که طفل با صاحبان نطفه نسب قانونی دارد، اگرچه عمل مزبور شرعاً و قانوناً مجاز نیست، زیرا از یک طرف از قانون و شرع برای نسب معنای خاصی تعیین نگردیده و در انتساب فرزند به پدر و مادر، از رویه عرف متابعت شده است و در عرف، فرزند به شخصی ملحق می‌شود که از نطفه او تکون یافته است و از طرف دیگر، فرزند مذکور را نمی‌توان از مصادیق ولدالزنا محسوب کرد، زیرا طبق تعریف فقه و قانون، برای تحقق زنا یا چیزی که در حکم زنا است نوعی رابطه جنسی لازم است که معلوم است این رابطه در تلقیح مصنوعی منتفی است و بنابراین تلقیح مصنوعی زنا نیست و طفل متولد از آن را نمی‌توان ولدالزنا دانست و طفل دارای نسب قانونی با صاحبان نطفه است. حال در کودک متولد از لقاح مصنوعی با اسپرم بیگانه از جهت توارث چه رابطه‌ای بین کودک و مادر او یعنی صاحب تخمک و همچنین بین کودک و صاحب اسپرم (پدر وی) و شوهر زن وجود خواهد داشت. آیا از این‌ها ارث می‌برد یا خیر؟ (عامری نیا، ۱۳۹۲)

از آنجایی که کودک متولد از لقاح مصنوعی از تخمک زن ولدالزنا محسوب نمی‌شود و زنا در این واقعه اتفاق نیفتاده لذا بین مادر کودک همانند مادر و فرزند ناشی از مقاربت طبیعی بر طبق ماده ۸۸۴ ق.م توارث وجود دارد. (صمدی اهری، ۱۳۹۶، ص ۱۱۶)

در این مسئله مولود مصنوعی را به مادر طبیعی خود ملحق می‌دانند و بین طفل و مادر طبیعی و خویشاوندان مادری او توارث برقرار می‌شود (رضانیا معل^م، ۱۳۹۴، ص ۴۰۳)

در مورد صاحب اسپرم نیز اگر مشخص باشد پدر واقعی کودک است در این رابطه نیز صاحب اسپرم همانند صاحب تخمک مرتکب زنا نشده و این نوع تلقیح با توجه به تعریف زنا هیچ شباهتی با زنا ندارد تا فرزند حاصل ولدالزنا باشد لذا به فرض

مشخص بودن صاحب اسپرم از وی ارث می‌برد همان‌طوری که فرزند متولد از مقاربت جنسی از پدر خود ارث می‌برد و با وی قرابت نسبی دارد. (صمدی اهری، ۱۳۹۶، ص ۱۱۶)

درباره زوج (شوهر زن) دو فرض مطرح است:

فرض اول: بین زوج و کودک احکام وضعی وجود آمده از نسب طبیعی، مانند توارث به دلیل مجهول بودن پدر، رابطه بین فرزند و پدر طبیعی برقرار نمی‌شود و چون زوج متقاضی نیز رابطه طبیعی با کودک ندارد و پدر آن کودک به شمار نمی‌آید توارثی برقرار نمی‌شود. (مرقاتی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۴)

فرض دوم: برابر اصول و ضوابط کلی قاعده فراش، فرزند متولد از فراش ملحق به شوهر اوست و در این صورت برابر ضوابط کلی صورت ظاهربین آنان توارث برقرار خواهد شد و اگر خلاف ظاهر به اثبات رسید حق توارث ساقط می‌شود (صمدی اهری، ۱۳۹۶، ص ۱۱۷)

اما به نظر می‌رسد که بین زوج فاقد اسپرم با کودک متولدشده هیچ‌گونه رابطه نسبی وجود ندارد و این دو از یکدیگر ارث نمی‌برند. در طفل حاصل از تلقیح دو بیگانه، در حکم ارث آن‌ها (فرزند و پدر و مادر) بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. سه نظریه در این زمینه مطرح است:

الف) جواز ارث طفل حاصل از تلقیح مصنوعی: مقام معظم رهبری از جمله این گروه است. سید یوسف مدنی تبریزی در این باره می‌فرماید:

چنانچه تلقیح انجام بگیرد و زن ملحوقه از این تلقیح بچه‌دار شود و یقیناً بدانیم که منشأ تولد، نطفه مرد اجنبی بوده بچه متولدشده به مرد اجنبی و زنی که او را زائیده لاحق می‌شود و از هم ارث می‌برند (مدنی تبریزی، ۱۴۲۳، ص ۷۷)

ب) عدم جواز ارث طفل ناشی از تلقیح مصنوعی: محمدحسن مرعشی شوشتری و مکارم شیرازی از این گروه می‌باشند.

ج) احتیاط: برخی از فقهای معاصر در مسئله توارث بین کودک ناشی از تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه قائل به احتیاط هستند. بر اساس این نظریه با توجه به پیچیدگی‌های مسائل حقوقی ناشی از فروض مختلف تلقیح مصنوعی، مسائل مالی را باید با مصالحه حل و فصل نمود.

امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: در تلقیح عمدی اسپرم بیگانه زوجه در مسئله ارث باید احتیاط کرد. به این صورت که نه سایر ورثه، کودک متولدشده از این طریق را به کلی از ارث محروم سازند و نه این کودک همه سهم الارث خود را، ملک خود بداند بلکه با ورثه مصالحه کنند. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳، ص ۵۶۵)

مرحوم گلپایگانی نیز در خصوص طفل متولدشده از تلقیح با اسپرم بیگانه چنین اظهار نظر کرده‌اند: تلقیح نطفه اجنبی به اجنبیه از نظر حقیر جایز نیست و در مسئله توارث، احتیاط با مصالحه با سایر ورثه ترک نشود. (صفایی و علوی قزوینی، ۱۳۹۰، ص ۴۰)

این نظر حقوقی قابل ایراد است زیرا! اولاً، قواعد ارث از جمله قواعد آمره است و اختیار آن با افراد نیست ثانیاً: این راه حل، تکلیف را در موردی که طرفین به مرحله سازش و مصالحه نرسند، مشخص نکرده است. بنابراین، می‌توان گفت که اصولاً مسئله توارث مبتنی بر ثبوت نسب است و در هر مورد که رابطه نسبی ثابت باشد، توارث نیز ثابت خواهد بود. (علوی قزوینی، ۱۳۹۱)

حال در تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه اگر انعقاد نطفه بعد از موت مورث باشد آیا باز هم طفل از او (مورث) ارث می‌برد یا خیر؟ بحثی که در خصوص ماده ۸۷۵ ق.م. مطرح است آن است که آیا شرط تحقق نطفه و ارث (حمل) در زمان فوت مورث موضوعیت داشته یا صرفاً به لحاظ صحت انتساب حمل به مورث اعتبار شده است؟

در صورت پذیرش احتمال دوم، ارث جنین لقاح یافته بعد از موت صاحب اسپرم از دارایی‌های او، بلامانع است زیرا با فرض قطعیت انتساب حمل مزبور به صاحب اسپرم (مورث) عمومات ادله ارث از قبیل آیه ۱۱ سوره نساء و غیره، شامل فرض موردبحث نیز خواهد شد (صفایی و علوی قزوینی، ۱۳۹۰، ص ۴۷) البته باید جواب پرسش بالا را در منابع معتبر فقهی و اقوال فقها جستجو کرد. برخی از فقهای امامیه از جمله صاحب جواهر معتقدند که در ثبوت ارث، صرف انتساب فرزند به مورث کافی است، هرچند نطفه او پس از فوت منعقدشده باشد، چنانکه صاحب جواهر می‌گوید: دلیلی بر اعتبار و هم‌زمانی میان صدق عنوان ولد و فوت مورث موجود نیست، بلکه صدق عنوان ولد بعد از فوت نیز کفایت می‌کند. (نجفی، ۱۴۰۰، ص ۲۹)

فاضل لنکرانی در این زمینه فرموده‌اند: در فرض موردبحث، بهتر است با سایر وارث مصالحه شود (رضانیا معلم، ۱۳۹۴، ص ۴۷۷)

برای اثبات این ادعا می‌توان به اطلاق احادیثی که موضوع آن‌ها «مولود» یا «صبی» است، استناد نمود، زیرا در هیچ‌یک از آن‌ها به لزوم انعقاد نطفه حمل در زمان مورث اشاره‌ای نشده است، یکی از این روایات عبارت‌اند از: ابا بصیر از امام صادق (ع) نقل کرده است که امام (ع) فرمودند: پدرم امام باقر (ع) فرمودند: هرگاه نوزاد هنگام تولد حرکت آشکاری از خود بروز دهد، پس آن طفل از خویشاوندان ارث می‌برد و خویشاوندان نیز از او ارث می‌برند، هرچند هنگام تولد صدای گریه او شنیده نشود، زیرا ممکن است نوزاد گنگ (لال) باشد (حرعاملی، ۱۴۳۰، ص ۵۸۸)

اطلاق روایت فوق همان‌گونه که شامل مواردی که به هنگام فوت مورث هنوز روح در جنین دمیده نشده، به همان ترتیب شامل مواردی خواهد شد که نطفه طفل پس از فوت مورث منعقدشده است. بنابراین می‌توان گفت علت این‌که فقهای امامیه وجود حمل را در زمان فوت مورث معتبر دانسته‌اند صرفاً، به جهت انتساب حمل به مورث است. (صفایی و علوی قزوینی، ۱۳۹۰، ص ۴۸)

صاحب جواهر در این مورد آورده است اطلاق نصوص ارث حملی که زنده متولدشده، شامل مواردی است که ارث به هنگام فوت مورث نطفه بوده است. آری برای صحت انتساب حمل به مورث، علم به وجود حمل در هنگام فوت معتبر است. (نجفی، ۱۴۰۰، ص ۷۲)

محقق اردبیلی در مجمع الفایده و البرهان آورده است: هرگاه مردی بلافاصله پس از آمیزش با همسر خود، فوت نماید و سپس کودکی متولد شود که با توجه به امارات مربوط به حداقل یا حداکثر دوران بارداری، به متوفی منتسب گردد، طفل مزبور از پدر خود ارث می‌برد. در این فرض آنچه مسلم است این‌که هنگام فوت مرد، هنوز لقاح بین اسپرم و تخمک صورت نگرفته است تا چه رسد که بتوانیم آن را حمل به شمار آوریم و قطعاً انعقاد نطفه پس از فوت صاحب اسپرم صورت گرفته است. (محقق اردبیلی، ۱۴۱۴، ص ۵۴۶)

پس می‌توان گفت که هرگاه انتساب طفل به مورث قطعی باشد، وی از مورث خود ارث می‌برد هرچند انعقاد نطفه او با کمک روش‌های کمکی تولیدمثل پس از فوت مورث صورت گرفته باشد، زیرا اطلاقات ادله ارث از قبیل آیه ۱۱ نساء و ... شامل فرض موردبحث خواهد بود (صفایی و علوی قزوینی، ۱۳۹۰، ص ۴۸)

حال باید دید نطفه‌ای که بعد از موت منعقد می‌شود تا چه زمانی می‌تواند از ماترک پدر (صاحب اسپرم) ارث ببرد. گاهی اتفاق می‌افتد که فاصله موت و تلقیح مصنوعی به طول انجامد. آنچه در اینجا به نظر می‌رسد مبتنی بر تشخیص تاریخ تملک وارثان است. یعنی اگر قبل از انتقال ترکه به ورثه تلقیح صورت بگیرد قطعاً حمل در صورت زنده متولد شدن ارث می‌برد، هرچند در

حین موت مورث نطفه‌اش منعقد نشده باشد و اگر بعد از انتقال تلقیح صورت پذیرد، بعید نیست که حمل از ارث محروم شود، هر چند زنده متولد شود، زیرا بعد از انتقال ترکه به ورثه تملک آنان چیزی باقی نمی‌ماند. پس بهتر است بگوییم: «حمل در صورتی ارث می‌برد که نطفه او حین انتقال ترکه به وارث در رحم مادر منعقد بوده و زنده هم متولد شده باشد.» (قبله‌ای خوبی، ۱۳۸۶، ص ۳۶۸)

اکنون باید دید انتقال ترکه به وارثان از چه زمانی آغاز می‌شود، برخی از فقها معتقدند که مالکیت ورثه نسب به ماترک بعد از کسر دیون و عمل به وصیت تحقق می‌یابد و مستند آن آیه ۱۱ سوره نساء است. محقق اردبیلی (ره) می‌نویسد: آیه دلالت بر آن دارد که وارث قبل از آن دو یعنی اخراج وصیت و دین ارث را تملک نمی‌کند بلکه تصرف او هم جایز نیست مگر بعد از اخراج آن دو. (قبله‌ای خوبی، ۱۳۸۶، ص ۳۶۸)

۴- نتیجه‌گیری

نتیجه‌ای که از تعریف ارث گرفته شد عبارت است از استحقاق انسانی نسبت به چیزی به واسطه موت انسان دیگر اصالتا به جهت وجود نسب یا سبب؛ در نصوص قوانین موضوعه ایران علی‌رغم تکرار متعدد واژ ارث، هیچ تعریفی از این واژه ارائه نشده است؛ اما پاره ای از اساتید حقوق ایران معتقدند این لغت در متون حقوقی و قانون مدنی ایران در معانی مختلفی به کار رفته است، یعنی ارث گاه به معنای مال یا حقیق است که پس از مرگ شخص به بازماندگان او می‌رسد؛ و گاه دیگر به معنای استحقاق بازماندگان شخص بر دارایی اوست.

مطلب آخر بحث اسپرم‌های اهدایی است که به دلیل اینکه در هیچ منبعی تعریف کامل از این مفهوم نیامده است به یک تعریف کلی بسنده می‌کنیم، اهدای اسپرم به معنی آن است که از اسپرم یک نفر غیر از همسر برای عمل لقاح استفاده شود که در ایران این عمل توسط مراکز باروری انجام می‌گیرد.

مهم‌ترین نتیجه یک تحقیق در هر پژوهش تائید فرضیه‌های تحقیقی آن است؛ به همین دلیل نگارنده در جهت بررسی موضوع و تائید فرضیه‌ها در دو فصل جداگانه به جواب فرضیه‌ها پرداخته است و به نتایج رسیده است که مهم‌ترین این مسائل در ادامه و برای مشخص شدن صحت سؤالات و فرضیه‌ها و درست بودن مسیر راه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در مسئله مربوط به بحث ارث کودک ناشی از اسپرم‌های اهدایی در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌شود به دنبال پاسخ به این سؤال بودیم که چگونه به کودک ارث تعلق می‌گیرد. با بررسی مباحث کامل ارث نسبت به کودک ناشی از اسپرم اهدایی به این نتیجه می‌رسیم که طبق ماده ۸۶۱ قانون مدنی نسب شرط وراثت است و ولدالزنا را در ماده ۸۸۴ از این امر مستثنا نموده است؛ بنابراین ولد ناشی از غیر زنا در صورتی که نسب تحقق یابد، ارث می‌برد چراکه ماده ۸۸۴ قانون مدنی استثنائی بر ماده ۸۶۱ این قانون است و عمل به وحدت ملاک استثناء خلاف است. لذا استثناء مندرج در ماده ۸۸۴ را با توجه به اطلاق ماده ۸۶۱ باید به‌طور محدود تفسیر کرد. به این ترتیب تمام اقسام دیگر اولاد از ارث مورث خود بهره‌مند می‌باشند و دلیلی بر آن که شرط وراثت در نسب، نکاح صحیح است، موجود نیست؛ بنابراین فرضیه اول مورد تائید است.

۴-۱- پیشنهادات

در نهایت لازم است پیشنهادهایی از همین کار ارائه داده شود که ذهن نگارنده را به خود مشغول نموده است:

-ارائه تعریف واحد حقوقی از بحث ارث در قانون جمهوری اسلامی: اولین پیشنهاد در مورد تعاریف حقوقی مانند ارث می‌باشد که با ابهام مواجه است، چرا که در بررسی موضوع به تعریف واحدی از حقوقدانان نمی‌توان دست یافت به همین دلیل قانون گذار لازم است تا یک تعریف واحد ارائه دهد. این مطلب را در فصل دوم به خوبی می‌توان حس نمود.

هموار نموده مسیر تحقیقی در زمینه حقوق ژنتیک در ایران به دلیل نبود منابع تحقیقی: دومین پیشنهاد این است که حقوق ژنتیک یک علم نوین است و منابع و مطالب در این زمینه بسیار کم می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود تا سختی‌های راه توسط مسئولین برای پژوهشگران هموار گردد تا مسائل علمی و حقوقی بیشتری در این زمینه ارائه شود

-ارائه مواد قانونی حقوقی به‌جای فقهی در بحث ارث در جهت سهولت فهم خوانندگان: یکی دیگر از دغدغه‌های نگارنده در زمینه مسئله ارث نگاه حقوق در این زمینه به فقه است و به همین دلیل گاهی برای خواننده ابهام ایجاد می‌کند زیرا مسائل فقهی بسیار سنگین هستند و از آنجا که در بحث حاضر بیشتر به سمت مسائل فقه کشیده می‌شدیم پیشنهاد می‌کنم تا قانونگذاران و حقوقدانان تلاش نمایند که در بحث ارث نسبت به مسائل ژنتیکی و مانند موضوع بنده موارد قانونی روشنی را تصویب نمایند که علاوه بر دانشجویان حقوق، سایر افراد جامعه نیز بتوانند از این مسئله برخوردار شوند در نهایت امید است پژوهش حاضر که در سطح کشور دارای نوآوری بسیاری بود به محققان و دانشجویان این رشته کمکی شایان نماید تا به‌وسیله این پژوهش و در این حوزه مطالعات بیشتری صورت گیرد.

منابع و مأخذ

۱. اسلامی ح. ۱۳۸۴. شبیه سازی انسان از دیدگاه شیعه. بررسی چهار دیدگاه، مجله فقه، سال اول، ۴۴: ۳-۶۶.
۲. امامی ح. ۱۳۸۹. حقوق مدنی. چاپ سوم، تهران: نشر اسلامی، ۶۶۶ صفحه.
۳. انصاری م، ظاهری م ع. ۱۳۹۰. مجموعه دانشنامه حقوق (دانشنامه حقوق خصوصی). چاپ اول، تهران: انتشارات محراب فکر. ۷۵۶ صفحه.
۴. بندرچی م. ۱۳۹۳. موانع ارث در حقوق مدنی و فقه شیعه. چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت، ۲۹۷ صفحه.
۵. پژوهان م. ۱۳۹۵. مسئولیت مدنی پزشک. مطالعات حقوق، سال اول، ۱: ۱۷۸-۱۵۲.
۶. پور قهرمانی، ب. ۱۳۹۱. نگاهی به پدیده شبیه سازی انسان. رواق اندیشه، سال اول، ۳۷: ۱۱۶-۱۰۰.
۷. پورمحمدی، ز. ۱۳۹۶. RNAI و امیدهای تازه برای ژن درمانی. فصلنامه ژنتیک نوین، سال اول، ۲: ۴-۵.
۸. تیموری، م. ۱۳۸۹. بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی و کیفری ناشی از دستکاری ژنتیکی در نظام حقوقی ایران و اسناد بین المللی. حقوق پزشکی، سال اول، ۱۳: ۱۱۹-۸۷.
۹. جعفری لنگرودی، م ج. ۱۳۹۶. وصیت وارث. چاپ نهم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۳۱۴ صفحه.
۱۰. جعفری لنگرودی، م ج. ۱۳۹۷. دوره مبسوط در ترمینولوژی حقوق. چاپ بیستم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۹۰۸ صفحه.
۱۱. جواهری، ح. ۱۳۹۰. تقسیم جنینی و شبیه سازی. فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، سال اول، ۴۷: ۱۰۸-۸۱.
۱۲. حاجی عزیزی، ب، قفقازی الاصل ش. ۱۳۹۳. بررسی وضعیت ارث جنین ناشی از تلقیح مصنوعی پس از فوت صاحب اسپرم (پدر) از منظر فقهی و حقوقی. پژوهش حقوق خصوصی، سال اول، ۱۲۱: ۳۶-۸.
۱۳. حمدالهی، ع. ۱۳۸۸. احکام وضعی طفل متولد از رحم جایگزین در رابطه با توارث و نفقه. پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال دوم، ۳۰: ۲۴۳-۱۸۹.
۱۴. دیلمی، ا. ۱۳۹۶. مسئولیت مدنی ناشی از خطرهای ناشناخته ی فراورده در حقوق ایران و فقه امامیه. فقه و حقوق اسلامی، سال اول، ۱۵: ۴۹-۲۱.
۱۵. راجی، ش. ۱۳۹۴. انجماد جنین از منظر فقه امامیه و حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه یزد.
۱۶. ربانی، م. ۱۳۹۶. مسائل مستحدثه پزشکی، چاپ اول، قم: بوستان کتاب، ۲۵۲ صفحه.
۱۷. رحیمی، ح. ۱۳۸۷. مسئولیت مدنی ناشی از رحم جایگزین. مجله باروری و ناباروری، سال اول، ۲: ۱۶۵-۱۸۱.
۱۸. رضانیا معلم، م. ۱۳۹۴. باروریهای پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، چاپ اول، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۵۶۲ صفحه.
۱۹. شهیدی م. ۱۳۹۰. بررسی ابعاد حقوقی اهدا و انتقال جنین (مجموعه مقالات). مجله جهاد دانشگاهی، سال اول، ۴۵: ۵۹-۸۹.
۲۰. صفایی س ح. ۱۳۹۵. انتقال جنین، در روشهای نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه حقوق، چاپ دوم، تهران: آگاه، ۴۲۸ صفحه.
۲۱. صفایی س ح، امامی ا. ۱۳۹۶. حقوق خانواده، ج ۲- قرابت و نسب و آثار آن، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۲۵۶ صفحه.
۲۲. صفایی س ح. ۱۳۹۲. دوره مقدماتی حقوق مدنی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان، ۳۲۸ صفحه.

۲۳. صفایی س ح، علوی قزوینی س ع. ۱۳۹۰. ارث کودکان آزمایشگاهی. اندیشه‌های حقوقی، سال اول، ۱۱: ۳۵-۶۳. صمدی اهریمه. ۱۳۹۱. حقوق و تکالیف فرزندان ناشی از جنین اهدایی. تحقیقات حقوقی آزاد، سال اول، ۱۸: ۱۱۳-۱۳۸.
۲۴. صمدی اهری، م. ۱۳۹۶. نسب ناشی از لقاح مصنوعی در حقوق ایران و اسلام، چاپ اول، تهران: گنج دانش، ۱۶۸ صفحه.
۲۵. طباطبایی، س، عمویی، م. ۱۳۹۵. ارث کودک ناشی از تلقیح مصنوعی. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال اول، ۲۷: ۵۵-۷۲.
۲۶. عامری نیا ب. ۱۳۹۲. شبیه سازی انسانی در آیین فقه، اخلاق و حقوق، چاپ اول، قم: انتشارات راه سبز، ۱۸۷ صفحه.
۲۷. علوی قزوینی س ع. ۱۳۹۱. آثار حقوقی تلقیح مصنوعی روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، چاپ اول، تهران: سمت، ۲۱۴ صفحه.
۲۸. عمید ح. ۱۳۹۵. فرهنگ فارسی، چاپ پنجم، تهران: آگاه، ۱۰۱۰ صفحه.
۲۹. غفاری م. ۱۳۹۶. روش‌های پیشرفته در درمان نازایی، روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، ۴۱۲ صفحه.
۳۰. غفوری ف. ۱۳۹۵. دستکاری‌های ژنتیکی جنین، ملاحظات و چالش‌های اخلاقی آن. اخلاق پزشکی، سال اول، ۳۶: ۳۵ - ۴۵.
۳۱. غلامزاده، ک. ۱۳۸۳. ژنتیک عملی. کتاب ماه علوم و فنون، سال اول، ۷۵: ۵۴ - ۵۶.
۳۲. قاسمی، م. ۱۳۹۴. بهینه سازی ژنتیک از منظر اسلام، رواق اندیشه، سال اول، ۴۷: ۵۹ - ۸۴.
۳۳. قبله‌ای خویی خ. ۱۳۸۹. مسائل مستحدثه جنین، کودکان نامشروع و توارث در اهدای گامت، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، ۳۵۹ صفحه.
۳۴. قبله‌ای خوئی خ. ۱۳۸۶. احکام وضعی کودکان ناشی از اهدای گامت در رابطه با توارث. فصلنامه پایش، سال اول، ۴: ۳۶۵-۳۷۱.
۳۵. قدیری م. ۱۳۹۰. تشکیل بانک ژنتیک برای بررسی‌های ژنتیکی و اپی ژنتیکی در اختلال‌های روان پزشکی. روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال اول، ۴: ۳۲۴ - ۳۳۱.
۳۶. کاتوزیان ن. ۱۳۹۶. حقوق مدنی خانواده. چاپ ششم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۴۲۴ صفحه.
۳۷. کاتوزیان ن. ۱۳۹۷. درس‌هایی از شفعه، وصیت، ارث، چاپ هفتم، تهران: میزان، ۳۵۶ صفحه.
۳۸. متولی زاده اردکانی ع. ۱۳۸۸. ژنتیک، رفتار و فرهنگ. فصلنامه اخلاق پزشکی، سال اول، ۷: ۶۵-۸۳.
۳۹. محقق داماد س م. ۱۳۹۵. حقوق خانواده، چاپ پنجم، تهران: مرکز نشر اسلامی، ۵۶۲ صفحه.
۴۰. محلاتی ش ب. ۱۳۹۴. بررسی خلائای قانونی حقوق کودک، چاپ اول، تهران: ناشر روابط عمومی شورای فرهنگی-اجتماعی زنان، ۳۷۶ صفحه.